

مسافر سبز

مریم راهی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

دوست داشتن کافی نیست

■ اگر عاشقی، هم وقت خوشی و هم وقت ناخوشی، دوستدار باش.

■ عزیزت را پاره‌ی تن بدان نه پیراهن.

■ گوش به فرمان باش و مطیع.

■ زبان و عملت را یکی کن؛ هر دو حاکی از دوست داشتن.

■ یکرنگ باش، بوقلمون صفتان در دوست داشتن بازنده‌اند.

■ اگر روزگارت تنگ شد، فراموش نکن که روزی دوستدارش بوده‌ای.

دوست داشتن آنقدر گسترده و پرمعنا است که هر چه اصولش را بشماری تمامی ندارد، مخصوصاً اگر آن کسی را که دوست می‌داری امام زمانت باشد که این‌جا دیگر خود دوست داشتن هم برایت می‌شود وظیفه.

اما همین ده اصول را هم اگر رعایت کنی می‌شوی دوست‌دار امامت، مهدی صاحب زمان عج که تا او نخواهد حتی یک قرص نان هم به دست نمی‌رسد. اگر می‌گویی دوستش داری و اگر می‌گویم دوستش دارم باید پایبند به اصول باشی، و باید پایبند به اصول باشم. در غیر این صورت، دوست داشتن، منتفی‌ست.

دوست داشتن کارش با حرف و شعار و بیانیه و در بوق و کرنا کردن و بارک‌الله گفتن درست نمی‌شود، بلکه اصولی دارد. نمی‌شود همین طور الله‌بختی رقت جلو و گفت من خودم این کارهام می‌دانم شتر را کجا بخوابانم. سر و ته قضیه را هم با یک «یا لیتنا کنا معک» نمی‌شود هم آورد و کلی مرید و گریه‌کن جمع کرد. این‌جا جایی نیست که بتوان پنهان کاری کرد، این‌جا کسی هست که از پنهان‌ها آگاه است، کلاه نمی‌رود سرش.

هر چه آن کسی که دوستش می‌داری محترم‌تر و بزرگوarter باشد، کار تو هم سخت‌تر می‌شود. شأن محبوب را باید شناخت تا به قدرش همت نمود. پس:

اصول دوست داشتن:

■ راستگو باش حتی اگر به ضررت باشد و گروهی بخواهند از کار بی‌کارت کنند.

■ خودت را بگذار کنار و فقط برای او باش، حتی اگر به ضررت تمام شد.

■ وفادار باش، حتی اگر گرگی در کمین دریدن وفاداران باشد.

■ غیرتمندی غیور باش تا در هنگام خطر بتوانی حامی باشی و نه یک فراری ترسو.

تا به حال کسی را دوست داشته‌ای؛ مردی یا زنی را؟ اگر پاسخ تو آری است، چه کرده‌ای با دوست داشتنت؟ مخفی‌اش کرده‌ای مثل یک راز؟ فقط به این علت که واهمه داشته‌ای از مردود شدن. یا با صدای بلند اعلام کرده‌ای که ای خانم یا ای آقا! من جانم در می‌رود برای شما؟!

اصلاً درستش کدام است؟ گیرم رفتی و حقیقت قلبت را گذاشتی کف دست آن کسی که دوستش داری. خب بعدش چه می‌شود؟ راحت را می‌کشی و می‌روی؟ یا تازه این می‌شود آغاز عشق و خریدن کادوهایی با روبان قرمز؟

دوست داشتن، ساده است؛ اما سخت پیچیده. اگر از نوع دبیرستانی‌اش باشد (که یک روز هست و روز دیگر نه) می‌شود یک مزاحم، یک مغل زندگی که باید خیلی زود از شرت خلاص شد. اما اگر به بلوغ رسیده باشد و بداند برای چه چیز به وجود آمده و باید چه تغییری در روان تو ایجاد کند و خیلی زود بروی سراغ تعمیر خرابی‌های اندیشه‌ات. این همان حسی است که اگر خودش خواست هم نباید دست از سرش برداری. باید دو دستی بجوسی به این عشق.